

به نام

هستی بخش



دانشگاه شهید چمران اهواز

۹۳۲۲۳۹۷

دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
گروه مشاوره

پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره خانواده

عنوان :

آزمودن مدل هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ناایمن
(اجتنابی و اضطرابی) و وظیفه‌شناسی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز

استاد راهنما:

دکتر خالد اصلانی

استاد مشاور:

دکتر رضا خجسته‌مهر

نگارنده:

نسیم هرمزی‌فر

شهریور ماه ۱۳۹۳

به یاد پدرم

تقدیم به مادرم

که دلبستگی را از او آموختم

به مهربان فرشتگانی که لمظات ناب باور بودن،

لذت و غرور دانستن، جسارت فواستن،

عظمت رسیدن و تمام تجربه‌های یکتا و زیبای زندگی

مدیون حضور سبز آنهاست

تقدیم به خواهر و برادران عزیزم

سپاس بی‌پایان فدای را

که چراغ دل به نور عشق برافروفت و زبان را کلام بیاموخت تا نغمه‌سرای
عشق باشد.

شعله یک شمع با افروختن شمع دیگر خاموش نمی‌شود؛
نمی‌توانم معنایی بالاتر از تقدیر و تشکر بر زبان‌ام جاری سازم

و

سپاس خود را در وصف استاد خویش آشکار نمایم که هر چه گویم و سرایم
کم گفته‌ام

با تشکر از راهنمایی دلسوزانه، مشوق راه علم استاد ارجمند جناب دکتر
اصلانی

از استاد گرانقدر جناب دکتر فحیسته‌مهر که علم و سفاوت ایشان را چراغ راه
خود قرار داده‌ام، سپاسگزاری می‌کنم و برای ایشان از درگاه ایزد یکتا سعادت
آرزومندم.

فصل اول: کلیات

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۲	مقدمه
۷	بیان مسأله
۱۴	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۶	اهداف پژوهش
۱۶	هدف کلی
۱۶	اهداف جزئی
۱۷	فرضیه‌های مستقیم
۱۷	فرضیه‌های غیرمستقیم
۱۸	تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

فصل دوم: پیشینه نظری و تجربی پژوهش

۲۱	چارچوب نظری متغیرها
۲۱	رضایت زناشویی
۲۳	نظریه بوئن
۲۴	نظریه رفتاری
۲۴	نظریه مبادله اجتماعی
۲۵	نظریه سیستم‌ها
۲۶	نظریه شناختی
۲۶	تعریف هوش هیجانی

۲۷	تأثیر هوش هیجانی در زندگی
۲۸	دیدگاه‌های هیجان
۲۸	نظریه روان کاوی
۲۹	نظریه شناختی - فیزیولوژیکی هیجان
۳۰	دیدگاه شخصیتی - اجتماعی هوش هیجانی
۳۱	نظریه‌های رفتاری هیجان
۳۲	نظریه هوش چندگانه
۳۴	نظریه‌های انگیزشی و فیزیولوژیکی هیجان
۳۵	دیدگاه اوریل
۳۵	مفهوم دل بستگی
۳۷	مراحل دل بستگی
۳۸	ارزیابی دل بستگی
۳۹	طبقه‌بندی کیفیت دل بستگی نوزاد
۳۹	- دل بستگی ایمن
۳۹	- دل بستگی نایمن اجتنابی
۴۰	- دل بستگی نایمن دوسوگرا
۴۰	اصول نظریه دل بستگی
۴۲	دیدگاه‌های دل بستگی
۴۲	دیدگاه روان‌کاوی
۴۳	نظریه اریکسون

۴۴ نظریه مازلو.....
۴۴ نظریه آلپورت.....
۴۵ دیدگاه فروم.....
۴۶ شخصیت از نظر واژه‌شناسی.....
۴۷ تعاریف شخصیت.....
۴۸ - الگوی پنج عاملی.....
۴۸ روان‌رنجورخویی (N).....
۴۹ برونگرایی (E).....
۴۹ باز بودن (O).....
۵۰ توافق‌پذیری (A).....
۵۰ وظیفه‌شناسی (C).....
۵۱ دیدگاه روانپویشی.....
۵۲ نظریه‌ی یادگیری.....
۵۳ رویکرد انسانگرایی.....
۵۳ دیدگاه پدیدارشناسی.....
۵۴ نظریه یادگیری اجتماعی.....
۵۴ رویکرد صفات و تحلیل عاملی.....
۵۵ پیشینه تجربی.....
۵۵ پژوهش‌های داخلی.....
۵۷ پژوهش‌های خارجی.....

فصل سوم: روش اجرای پژوهش

- طرح پژوهش ۶۱
- جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری ۶۱
- ابزارهای پژوهش ۶۲
- مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید ۶۲
- مقیاس فرم کوتاه رضایت زناشویی ۶۳
- پرسشنامه NEO – FFI – 60 ۶۴
- مقیاس هوش هیجانی شیرینگ ۶۵
- تحلیل داده‌ها ۶۵
- روش اجرای پژوهش ۶۶

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

- مقدمه ۶۸
- بررسی مفروضه‌های مدل معادلات ساختاری ۶۹
- داده‌های گمشده ۷۰
- داده‌های پرت ۷۰
- نرمال بودن ۷۱
- هم خطی چندگانه ۷۳
- یافته‌های مربوط به مسیرهای مستقیم الگوی پیشنهادی ۷۴

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- تیین فرضیه‌های پژوهش ۸۰

محدودیت‌های پژوهش ۸۷

پیشنهادها ۸۷

- پیشنهادهای کاربردی ۸۷

- پیشنهادهای نظری ۸۸

منابع فارسی ۹۰

منابع لاتین ۱۰۱

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۱	جدول ۳-۱. اطلاعات مربوط به سن گروه نمونه در پژوهش حاضر.....
۶۱	جدول ۳-۲. اطلاعات مربوط به جنسیت گروه نمونه در پژوهش حاضر.....
۶۲	جدول ۳-۳. اطلاعات مربوط به تحصیلات گروه نمونه در پژوهش حاضر.....
۶۸	جدول ۴-۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش.....
۶۹	جدول ۴-۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش.....
۷۲	جدول ۴-۳. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش.....
۷۳	جدول ۴-۴. نتایج بررسی هم خطی چندگانه متغیرهای پژوهش (پیش بین).....
۷۴	جدول ۴-۵. ضرایب مستقیم استاندارد و غیراستاندارد مدل فرضی رضایت زناشویی.....
۷۵	جدول ۴-۶. بررسی شاخص های برازندگی مدل پیشنهادی پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش هیجانی با میانجی گری سبک های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی و وظیفه شناسی.....
۷۶	جدول ۴-۷. ضرایب غیرمستقیم مسیر هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی گری سبک های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی و وظیفه شناسی.....
۷۸	جدول ۴-۸. بررسی شاخص های برازندگی مدل نهایی پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس میزان هوش هیجانی و سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی و وظیفه شناسی.....

فهرست اشکال

عنوان

صفحه

شکل ۱-۱. آزمایش مدل هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ناایمن

(اجتنابی و اضطرابی) و وظیفه‌شناسی..... ۱۴

شکل ۴-۱. مدل پیشنهادی هوش هیجانی با رضایت زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ناایمن

(اجتنابی و اضطرابی) و وظیفه‌شناسی..... ۷۵

شکل ۴-۲. مدل نهایی اصلاح شده رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی

اجتنابی و اضطرابی و وظیفه‌شناسی..... ۷۷

نام خانوادگی: هرمزی فر		نام: نسیم	شماره دانشجویی: ۹۱۲۲۵۱۰
عنوان پایان نامه: آزمایش مدل هوش هیجانی بر رضایت زناشویی با میانجی گری سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و اضطرابی) و ویژگی شخصیتی وظیفه شناسی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز.			
استاد راهنما: دکتر خالد اصلانی			
استاد مشاور: دکتر رضا خجسته مهر			
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد		رشته: مشاوره	گرایش: خانواده
دانشگاه: شهید چمران اهواز		دانشکده: علوم تربیتی و روان شناسی	گروه: مشاوره
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۳/۶/۲۹		تعداد صفحه: ۱۲۳	
واژگان کلیدی: هوش هیجانی، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی، وظیفه شناسی، رضایت زناشویی.			
چکیده:			
<p>این پژوهش با هدف آزمایش مدل هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی گری سبک های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و اضطرابی) و ویژگی شخصیتی وظیفه شناسی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز انجام گرفته است. ۳۰۰ دانشجوی متأهل (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد) دانشگاه شهید چمران اهواز با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای ساده انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده پرسش نامه ی هوش هیجانی شیرینگ، پرسش - نامه ی سبک های دلبستگی کولینز و رید (RASS)، پرسش نامه ی رضایت زناشویی و پرسش نامه ی NEO-FFI بودند. ارزیابی مدل فرضی با استفاده از روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار AMOS/16 انجام گرفت. یافته ها نشان دادند که ضرایب مستقیم مسیر هوش هیجانی با دلبستگی اجتنابی، هوش هیجانی با دلبستگی اضطرابی، دلبستگی اضطرابی با رضایت زناشویی به صورت منفی معنادار بودند. بین هوش هیجانی با رضایت زناشویی، وظیفه شناسی با رضایت زناشویی و هوش هیجانی با وظیفه شناسی به صورت مثبت معنادار بودند و بین دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی رابطه معنی داری بدست نیامد. بعلاوه ضرایب غیرمستقیم بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی گری سبک دلبستگی اضطرابی معنادار بودند. و بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی گری وظیفه شناسی و بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی گری سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی معنی دار نبودند.</p>			

فصل اول

موضوع پژوهش

صاحب‌نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد خانواده و به تبع آن جامعه، از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (به نقل از رشیدی، ۱۳۹۱). بر اساس گفته آلدوز^۱ (۱۹۹۶) ازدواج مناسب حسی از معنا و هویت را در زندگی بوجود می‌آورد. خانواده و در نهایت جامعه سالم از پیوندهای آگاهانه زوجین شکل می‌گیرد و چنانچه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد، تبعات نه تنها برای خانواده بلکه برای کل جامعه خواهد بود (نقل از محمدزاده ابراهیمی، جمهری و برجعلی، ۱۳۸۶). به هر حال رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله‌ی رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به منزله رضایت از خانواده بوده، و در نتیجه تسهیل در امر رشد و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد بود (حیدری و اقبال، ۱۳۸۹). رضایت زناشویی از نظر الیس^۲ (۱۹۸۹) احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر با در نظر گرفتن همه جوانب زندگی‌شان است (نقل از اسماعیل‌پور، مهدوی و خواجه، ۱۳۹۲).

رضایت زناشویی مهمترین رکن سلامت روانی خانواده محسوب شده و عبارت است از وجود یک رابطه‌ی دوستانه همراه با حس تفاهم و درک یکدیگر و نیز وجود یک تعادل منطقی بین نیازهای مادی و معنوی زوج‌ها (عبدی، خوش‌کنش، پورابراهیم و محمدی، ۱۳۹۱). راه‌های مختلفی برای

1. Aldous
2. Ellis

فصل اول: موضوع پژوهش

تعریف رضایت زناشویی وجود دارد و بهترین تعریف را هاکینز^۱ (۱۹۹۶) ارائه کرده است، او رضایت زناشویی را احساس خشنودی، رضایت و لذت توسط زن و شوهر زمانی که همه جنبه‌های ازدواج خود را در نظر می‌گیرند، تعریف می‌کند. رضایت یک متغیرنگرشی است، بنابراین یک خصوصیت فردی برای زن و شوهر محسوب می‌شود. طبق تعریف مذکور رضایت زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند (نقل از بیرامی، فهیمی، اکبری و امیری پیچاکالایی، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت رضایت زناشویی در کارکرد خانواده به عنوان نظامی که به طور مستقیم در کارکرد اعضای خانواده منعکس می‌شود، پی بردن به عوامل موثر در پیش‌بینی و بالا بردن رضایت زناشویی تاثیر دارد، تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه هیجانی فرد در دوران کودکی است.

بسیاری از روان‌شناسان و خانواده‌درمانگران نیز ویژگی‌های شخصیتی زوجین و چگونگی تجارب کودکی و کیفیت روابط بین اعضای اصلی را مهمترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت هر ازدواج می‌دانند. یکی از با نفوذترین این دیدگاه‌ها، سبک‌های دلبستگی جان بالبی است (تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱). این نظریه شرح می‌دهد که چگونه دلبستگی بین کودکان و مراقبین آنان، روش‌های ارتباط با دیگر مظاهر دلبستگی همچون همسر را تحت تاثیر قرار می‌دهد (پناغی، پیروزی، ملکی، شیرین‌بیان و باقری، ۱۳۹۱). دلبستگی عبارت است از پیوندهای عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می‌کنیم، طوری که باعث می‌شود وقتی با آنها تعامل می‌کنیم احساس نشاط و شعف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم، احساس آرامش کنیم (برک^۲،

3. Hawkins
2. Berck

فصل اول: موضوع پژوهش

۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶). در نتیجه سبک‌های دلبستگی بر رضایت زناشویی تاثیر دارد. افراد با سبک دلبستگی ایمن، تعارض کمتر، رضایت و ثبات بیشتر و دوره‌های طولانی‌تر در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند و افراد با سبک دلبستگی ناایمن تعارض بیشتر، رضایت و ثبات کمتر و دوره‌های کوتاه‌تری در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند (تراپیان، عامری و خدابخش، ۱۳۹۱).

کوهن، سیلور، کوهن و پیرسون^۱ (۱۹۹۲) دریافتند که بزرگسالان دلبسته ایمن از توانایی بهتری برای کنترل عواطف منفی در تعاملات زناشویی، سازگاری بیشتر و تعاملات تعارض‌آمیز کمتری برخوردار هستند و زوج‌هایی که دست کم یکی از همسران دلبسته ایمن هستند، رضایت زناشویی بیشتر است (نقل از خسروی و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعات نشان می‌دهند کسانی که دلبستگی ناایمن داشته باشند، از سبک‌های تنظیم هیجانی سازش‌نا یافته بهره می‌جویند و دچار ناتوانی هیجانی هستند (بکندام، ۲۰۰۲). بر طبق دیدگاه طرفداران نظریه روابط فردی، اشخاصی که ازدواج می‌کنند، هر کدام میراث روانی یکتا و جداگانه‌ای را وارد رابطه زناشویی می‌کنند. هر کدام دارای تاریخچه شخصی، یک شخصیت بی‌همتا و مجموعه‌ای از افراد درونی کرده مخفی هستند که آنها را در تمامی تبادلاتی دخالت می‌دهند که متعاقباً با یکدیگر خواهند داشت (برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۶). نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی زوجین از جمله موثرترین عوامل در میزان رضایت از زندگی است و در تبیین تغییرات رضایتمندی زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شاکریان، فاطمی و فرهادیان، ۱۳۹۰).

آلپورت شخصیت را بعنوان سازمان پویای سیستم‌های روانی فرد که سازگاری‌های او را با محیط تعیین می‌کند، تعریف نموده است. آیزنک^۳ شخصیت را کلیت یکپارچه منش، مزاج، هوش و جسم

1. Cohen, Silver, Coven, & Pearson
2. Bekendam
3. Eysenck

فصل اول: موضوع پژوهش

می‌داند و کرچمر آن را بعنوان جنبه عاطفی و ارادی رفتار تعریف می‌کند (کرمی، ۱۳۹۰). شخصیت مجموعه‌ای از الگوهای پایدار فرد در ادراک، شناخت و روابط بین‌فردی است. نوعی سبک قابل پیش‌بینی در طرز تفکر، احساس و عمل که از ارتباط نزدیک گنجایش‌های فطری، تجربه‌های آغازین زندگی و روند تکامل شخصی و تاثیرات بین‌فردی، اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آید (شعاع‌کاظمی و مومنی‌جاوید، ۱۳۸۸). بنابراین می‌توان گفت که شخصیت عبارت است از عنصر ثابت رفتار یک فرد، شیوه بودن و بطور کلی آنچه به طور دائم با او همراه است و موجب تمایز او از دیگران می‌شود (گنجی و ثابت، ۱۳۸۷). کاستا و مک‌کری^۱ (۱۹۹۲) با استفاده از روش تحلیل عوامل، مدل پنج‌عاملی شخصیت را ارائه کرده‌اند. این پنج‌عامل عبارتند از: نوروگرایی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، همسازی و وظیفه‌شناسی (پروین و جان^۲، ترجمه کدیور و جوادی، ۱۳۸۶). فیشر و مک‌نالتی^۳ (۲۰۰۸) در یک مطالعه نشان دادند که سطح بالای روان‌رنجورخویی فرد و همسرش، سطوح پایین رضایت زناشویی را در یک سال بعد پیش‌بینی می‌کند.

در پژوهش دیگر که شاکلفورد، بیزر و گوتز^۴ (۲۰۰۷) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که افرادی که همسرانی دارند که در مولفه‌های سازگاری و وظیفه‌شناسی پایین هستند رضایت زناشویی پایین‌تری دارند (نقل از محمدزاده ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۶). تحقیقات شیوتا و لوینسون^۵ (۲۰۰۷) و احدی (۱۳۸۶) وظیفه‌شناسی زوجین را پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رضایت‌مندی زناشویی می‌دانند. در سال‌های اخیر به استفاده از هوش هیجانی در ارزیابی رضایت زناشویی تأکید زیادی شده است و از آن بعنوان عامل مؤثر در

1 .Costa&Macary

2.Pervin& John

3 . Fisher &Mcnulty

4 .Shachelford, Besser& Goetz

5 .Shiota&Levenson

فصل اول: موضوع پژوهش

پیشبرد رضایت زناشویی نام برده شده است (بیرامی، باباپورخیرالدین، هاشمی نصرت‌آباد، اسمعیلی و بهادری-خسروشاهی، ۱۳۹۲).

هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه ارتباط میان تفکر و هیجان است. این مفهوم توسط سالوی و مایر در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (بار-ان^۱، ۱۹۹۷). هوش هیجانی ظرفیت ادراک، بیان، فهم و کاربرد و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران می‌باشد (ذراتی، امین‌یزدی و آزاد فلاح، ۱۳۸۵). گلمن، هوش هیجانی را چنین مطرح می‌سازد: هوش هیجانی شامل توانایی‌ها، شناخت هیجان‌های خود، درک احساسات دیگران، مهار کردن هیجان‌ها و اداره مدیریت روابط با نرمش و مدارا می‌باشد (گلمن^۲، ۱۹۹۵ ترجمه پارسا، ۱۳۸۳). با توجه به پژوهش‌های انجام شده در خصوص روابط همسران به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توانند در رضایت زناشویی موثر باشند. پژوهش فیزر (۲۰۰۲) نشان داد افرادی که توانایی شناخت و فهم هیجان‌های خود را دارند، از تاثیر آن‌ها بر همسران‌شان آگاهند. چنین افرادی در مهار و مدیریت هیجان‌های خود و همسران‌شان تواناترند و به این لحاظ رضایت زناشویی بیشتری دارند. در پژوهش اسکات و مألوف^۳ (۱۹۹۸) بر روی نمونه‌ای از همسران، نتایج نشان داد افرادی که نمرات بالاتری در هوش هیجانی بدست آوردند و نیز افرادی که به همسران‌شان نمرات بالایی در هوش هیجانی داده بودند به نحو معناداری از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بودند (نقل از مهانیان‌خامنه، برجعلی و سلیمی‌زاده، ۱۳۸۵). اشخاصی که از سطوح هوش هیجانی بالاتری برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضایتمندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (تیرگری، اصغرنژادفرید، بیان‌زاده و عابدین، ۱۳۸۵).

1. Bar_on
2. Goleman
3. Schutt, & Malouff

فصل اول: موضوع پژوهش

لذا با توجه به پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده فوق، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) و وظیفه‌شناسی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد.

بیان مسأله

خانواده کوچکترین جزء اجتماع است، اجتماعی که از خانواده‌های سالم تشکیل شده است مسلماً اجتماعی است سالم و شرط آنکه خانواده‌ای سالم باشد این است که افراد آن سالم باشند. لذا برای بهبود وضع اجتماع، تلاش برای بهبود وضع خانواده و افراد آن مهمترین مسأله است (ستیر^۱، ۱۹۸۸ ترجمه بیرشک، ۱۳۸۰). اهمیت حفظ بنیان خانواده در جامعه صنعتی امروز، بررسی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی را بیش از پیش برجسته ساخته است (عبداللهی، کافی و شاهقلیان، ۱۳۹۰). توجه به موضوع رضایت زناشویی و پیاده‌سازی راهکارهای مناسب جهت افزایش رضایت زناشویی در زوجین از طریق مختلف و همچنین تلاش در جهت بهبود همسرگزینی و انتخاب مناسب و آگاهانه همسر و کمک به آنها برای شادمانی و رضایت بیشتر از زندگی مداوم خود ضروری به نظر می‌رسد (محمدزاده‌ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۶).

رضایت زناشویی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم برای تبیین و نشان دادن میزان شادی و پایداری رابطه می‌باشد. رضایت زناشویی فرایندی است که در طول زندگی زوجین بوجود می‌آید، زیرا لازمه‌ی آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای است (گریف^۲، ۲۰۰۰؛ نقل از تیموری آسفیچی و همکاران، ۱۳۹۱). رضایت زناشویی را بیشتر بصورت نگرش‌ها یا احساسات کلی فرد درباره همسر و رابطه اش تعریف می‌کنند. یعنی رضایت‌مندی زناشویی

1. Satir
2. Greef

فصل اول: موضوع پژوهش

یک پدیده درون فردی و یک برداشت فردی از همسر و رابطه است. چنین تعریفی از رضایت زناشویی، نشانگر آن است که رضایتمندی یک مفهوم تک‌بعدی و بیانگر ارزیابی کلی فرد درباره‌ی همسر و رابطه‌اش است (حسینی‌سده و فتحی‌آشتیانی، ۱۳۸۸).

یکی از عوامل مهم که در سال‌های اخیر به آن توجه شده است و بر روی رضایت زناشویی تأثیر دارد تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه هیجانی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می‌تواند وی را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱). تحقیقات زیادی نشان می‌دهند که سبک دلبستگی یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت زناشویی است (احمدزاده، فرامرزی، شمسی و صمدی، ۱۳۹۱). بطور کلی دلبستگی را می‌توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. اینکه کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست، می‌جوید و به او می‌چسبید، مؤید وجود دلبستگی میان آنهاست (ابوحمزه و خوشابی، ۱۳۸۶).

تئوری دلبستگی توسط بالبی^۱ (۱۹۶۹) مطرح شد و تأثیر زیادی بر فهم کنونی ما از روابط دلبستگی در کودکی و همینطور در بزرگسالی گذاشته است. این نظریه شرح می‌دهد که چگونه دلبستگی بین کودکان و مراقبین آنها، روش‌های برقراری ارتباط با دیگر مظاهر دلبستگی همچون همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (پناغی و همکاران، ۱۳۹۱). از دیدگاه بالبی (۱۹۷۳) پیوند بین مراقب-کودک بر تحول روان‌شناختی کودک و عملکرد او در بزرگسالی تأثیر بسزایی دارد. بر این اساس بازنمایی‌های ذهنی دلبستگی که در کودکی بنا نهاده می‌شوند، به نحو قابل توجهی بر روابط

1. Bowlby